

پرسید پاسخ بگیری

خدایمرد سلیمان

با توجه به وجود جنگ‌افزارهای پیش‌رفته نظامی، چگونه امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه با شمشیر قیام می‌کنند؟

عده‌ای بر این باورند که به کار بردن واژه شمشیر، در معنای حقیقی است و مصداق آن، همان شمشیر، یعنی ابزار جنگی قدیمی است. البته این گروه درباره پیروز شدن حضرت بر دشمنان به وسیله شمشیر، دلایل متفاوتی آورده‌اند.

۱. برخی می‌گویند: اگرچه حضرت با شمشیر قیام می‌کنند، ولی خداوند در آن شمشیر، قدرت و اعجازی نهاده که تمامی سلاح‌های موجود را مقهور نیروی خود می‌سازد.

۲. دسته دیگر می‌گویند: خداوند در آستانه ظهور آن حضرت، تمامی تجهیزات نظامی را از کار انداخته و مردم ناگزیر از همان سلاح‌های ابتدایی بهره می‌گیرند.

۳. به رغم آن که تمامی تسلیحات در اختیار حضرت قرار می‌گیرد ولی از آن جایی که استفاده از آن‌ها به ناگزیر ظالمانه نیز خواهد بود، حضرت تنها از سلاح شمشیر بهره خواهند گرفت.

۴. برخی دیگر گفته‌اند: به سبب جنگ‌های خونین فراوانی که در آستانه ظهور به وقوع می‌پیوندد، تمامی سلاح‌های پیش‌رفته از بین خواهد رفت و از آن پس، در جنگ‌ها تنها از ابزارهای ساده استفاده می‌شود.

از دلایل این افراد، روایات فراوانی است که: «شمشیر آن حضرت، همان شمشیر پیامبر (ذوالفقار) است». در این صورت، نمادین بودن شمشیر، مشکل به نظر خواهد رسید.

دسته‌ای دیگر بر این باورند که شمشیر در این روایات، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه شواهد فراوانی از نمونه‌های موجود در زبان‌ها برای ادعای خود آورده‌اند ولی آن‌چه آن‌ها را به این سخن وادار کرده، پیش‌رفت روزافزون تسلیحات و فناوری دفاعی و نظامی است. از آن جایی که صاحبان این نظریه نتوانسته‌اند بین شمشیر و تسلیحات فوق مدرن، نسبتی برقرار کنند، به چنین توجیهی دست زده‌اند. آنان شمشیر را نماد قدرت دانسته و می‌گویند، امام از هر ابزاری که قدرت ایشان را به نمایش بگذارد، استفاده می‌کنند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۲.

چه مانعی داشت که امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه در آخرالزمان متولد می‌شد تا دیگر نیازی به غیبت آن حضرت نباشد؟

اولاً روایات معتبر اسلامی تصریح دارند که بر طبق مشیت الهی، امامان معصوم علیهم‌السلام، دوازده تن بیشتر نخواهند بود که همگی آنان از خاندان پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند و آخرین آن‌ها وجود مقدس امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه می‌باشند.

ثانیاً طبق روایات معتبر، سنت الهی چنین است که هیچ‌گاه زمین را از حجت خود خالی نگذارد.

ثالثاً می‌دانیم که امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه‌السلام در سال ۲۶۰ هـ. ق در شهر سامرا به شهادت رسیده‌اند.

با توجه به این سه مقدمه، نتیجه می‌گیریم که اگر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه تاکنون متولد نشده بودند، لازم می‌آید که از سال ۲۶۰ تاکنون که سال ۱۴۲۷ هـ. ق است، جهان و اهل آن، بدون حجت الهی بوده باشد و این امر، همان طور که گفتیم، با مصلحت و مشیت الهی منافات دارد.

آیا امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه هم‌چون مردمان عادی ازدواج کرده‌اند و آیا فرزندی دارند؟

از مجموع روایات، سه احتمال درباره زن و فرزندان حضرت به دست می‌آید:

۱. اساساً ازدواج نکرده‌اند.

۲. ازدواج کرده‌اند ولی اولاد ندارند.

۳. ازدواج کرده و دارای فرزندی نیز هستند.

لازمه احتمال اول، این است که امام معصوم علیه‌السلام، یکی از سنت‌های مهم اسلامی را ترک کرده باشند که این با شأن امام سازگار نیست، اما از طرفی چون مسأله غیبت مهم‌تر است و ازدواج مهم، از این رو ترک ازدواج - با توجه به آن امر مهم‌تر - اشکالی ایجاد نمی‌کند و گاهی برای مصلحت بالاتر، لازم و واجب نیز هست. برای تأیید این قول، می‌توان موارد ذیل را بیان کرد:

۱. روایاتی، حضرت خضر را به عنوان کسی معرفی کرده‌اند که وحشت تنهایی حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه را در دوران غیبت برطرف می‌سازد. در صورتی که اگر آن

حضرت زن و فرزند داشتند، نیازی به حضرت خضر علیه‌السلام نبود.

۲. در روایات فراوانی، از آن حضرت با القاب فرید(تک) و وحید(تنها) یاد شده است و این با زن و فرزند داشتن منافات دارد.

۳. دسته‌ای از روایات، ملازمان حضرتش را در دوران غیبت، تنها سی تن ذکر کرده است. احتمال دوم (پذیرش اصل ازدواج، بدون داشتن اولاد) هم دربرگیرنده اصل انجام سنت اسلامی و هم عدم انتشار مکان و موقعیت آن حضرت می‌باشد، اما این اشکال هست که اگر قرار باشد، آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند، یا باید عمر او نیز مانند عمر حضرت طولانی باشد - که بر این امر دلیلی نداریم - یا این که بگوییم مدتی با آن حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است. در این صورت، حضرت به سنت ازدواج عمل کرده و پس از آن، تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه داده‌اند.

این مسأله، افزون بر این که دلیل محکمی ندارد، با این اشکال اساسی روبه‌رو است که این همه اولاد و اعقاب، بالاخره روزی در جست‌وجوی اصل خویش برمی‌آیند و همین کنجکاو و جست‌وجو، مشکل‌ساز است و با فلسفه غیبت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه مغایرت دارد. با این وصف، احتمال اول و دوم درست‌تر به نظر می‌رسد.

برخی خواسته‌اند با تمسک به داستان «جزیره خضرا»، بگویند که امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه فرزندی دارند و در آن جزیره، زیر نظر وی، جامعه نمونه و تمام‌عیار اسلامی را تشکیل داده‌اند! اما طبق بررسی‌های گسترده‌ای که انجام گرفته، جزیره خضرا، افسانه‌ای بیش نیست و واقعیت ندارد.

فلسفه غیبت چیست؟ چرا امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه در انتظار مردم ظاهر نمی‌شوند؟

در ابتدا گفتنی است که پنهان‌زیستی آخرین ذخیره الهی، به طور قطع از اسرار خداوندی است که برنده اندیشه و فکر را توان پرواز تا آن قله رفیع نیست و اگر در این راه، توفیقی حاصل گردد، به یمن انفسا قدسی ائمه معصومین علیهم‌السلام است که گاه گوشه‌ای از آن پرده به کنار می‌رود و در حد ظرفیت مخاطب و فهم او، حقایق آشکار شده است.

امام صادق علیه‌السلام این حقیقت را چنین تبیین فرموده‌اند: «این امر، امری از امر خدا و سری از سر خدا و غیبی از غیب خداست. وقتی که می‌دانیم خداوند، بزرگ‌مرتبه و حکیم است، پس تصدیق می‌کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است، گرچه علت آن کارها بر ما روشن نباشد».

اینک با استفاده از روایات امامان معصوم علیهم‌السلام، برخی از دلایل غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه را بیان می‌کنیم.

۱. حفظ جان امام زمان

عجل‌الله تعالی فرجه

نخستین فلسفه، حفظ جان حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه به وسیله زندگانی مخفیانه است و خداوند با پنهان ساختن آن حضرت، ایشان را از شر دشمنان حفظ کرده‌اند.

البته این نه به آن معناست که آن حضرت از شهادت و کشته شدن در راه خدا هراس دارد، بلکه آن حضرت چون آخرین ذخیره الهی در زمین است و آن حاکمیت فراگیر و جهانی که در تمامی ادیان وعده داده شده، تنها به دست او تحقق می‌یابد، بر خداوند است که به هر وسیله ممکن، ایشان را روز موعود، محافظت کند و حکمت الهی نیز بر پنهان‌زیستی ایشان تعلق گرفته است. این پنهان‌زیستی با ویژگی‌های خاص خود، در مورد برخی از پیامبران - هنگامی که بر جان خویش بیم داشتند - اتفاق افتاده بود که می‌توان به مخفی شدن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام هجرت در غار اشاره کرد.

۲. امتحان و آزمایش انسان‌ها

از حکمت‌های الهی در غیبت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه، امتحان و آزمایش مردم است. از آنجایی که این نوع آزمایش به دلیل عدم حضور ظاهری امام، بسیار مشکل و طاقت‌فرساست، در تکامل انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارد و با این آزمایش، سره از ناسره جدا شده، یاران راستین حق مشخص می‌گردند.

پیشوای هفتم شیعیان،

امام کاظم علیه‌السلام

فرموده است:

«هنگامی که

پنجمین

فرزند از

من ناپدید

شود، پس خدا را

خدا را [مواظب باشید]

در دین‌تان! تا احدی

شما را از آن دور نسازد. فرزند! صاحب این امر، ناگزیر از غیبتی خواهد بود، تا کسی که به این امر قائل است از آن باز گردد. همانا آن آزمایشی از جانب خداست که خداوند خلق خود را به آن وسیله می‌آزماید».

۳. آزادی از بیعت دیگران

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود ناچار از بیعت با طاغوت‌های زمان نمی‌شود.

امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «همانا قائم از ما اهل بیت، هنگام قیام، بیعت احدی را بر گردن ندارد و به همین دلیل است که ولادتش مخفی نگه داشته می‌شود و شخص ایشان غائب است».

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم - آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت حضرتش گشودند - انعکاس یافت: «آیا ندانستید که هیچ یک از ما ائمه نیست، مگر این که بیعت با ستمگری بر گردن او



نام دجال نزد افراد و جوامع دینی پیوسته مطرح بوده است و برخی از کتاب‌ها و فیلم‌ها به آن اشاره کرده‌اند. دجال، لقب دغل‌بازی است که نزد یهودیان «آرمیلوس» و نزد مسلمانان «صائد بن صید» نامیده می‌شود.

اصل داستان دجال در کتاب‌های مقدس مسیحیان نیز آمده است. در انجیل واژه دجال، بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح علیه‌السلام باشند به عنوان دجال یاد شده است.

در منابع اهل سنت نیز، عمدتاً سخن از کشته شدن دجال به دست حضرت عیسی علیه‌السلام است.

۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.

بر این اساس، دو نوع دجال وجود دارد: یکی همان دجال حقیقی و واقعی است که پس از همه دجال‌ها می‌آید و دیگری گروهی شایع و دروغ‌گویند که دست به فریب‌کاری و گمراهی مردم می‌زنند.

حقیقت داستان دجال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریب‌کار و منافق - که معتقد به نظام‌های پوشالی گذشته و حافظ سنت‌ها و ضداورزش‌هایند - برای زنده نگه داشتن فرهنگ و نظام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند و با سوءاستفاده از زمینه‌های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حیل‌گری می‌زنند تا آنان را نسبت به اصالت و تحقق انقلاب و استواری رهبران آن، دل‌سرد و دودل کنند و با شیطنت، آنان را به کژراهه برند!

در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، چنین خطری پیش‌بینی شده است و از آن‌جایی که این انقلاب از همه انقلاب‌های تاریخ، بزرگ‌تر و گسترده‌تر

قرار می‌گیرد، به جز قائم، که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می‌سازد تا این که وقتی قیام می‌کند، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد.

می‌گویند یکی از نشانه‌های ظهور، خروج دجال است. در این باره توضیح دهید.

«دجال» در زبان عربی به معنای «آب طلا» و طلااندود کردن است. به همین علت، اشخاصی را که بسیار دروغ می‌گویند و باطل را حق جلوه می‌دهند، دجال می‌نامند. دجال، ستم‌گری است که در آخرالزمان، مردم را گمراه خواهد کرد. دجال، در هر سه دین یهود، مسیحیت و اسلام مطرح شده است.

در مورد اصل دجال، چند احتمال وجود دارد: دجال، نام شخص معینی نیست و هر کسی که با ادعای پوچ و بی‌اساس و با توسل به حیل‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. این که در روایات، از دجال‌های فراوانی سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می‌کند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

«قیامت، برپا نمی‌شود تا وقتی که مهدی

عجل‌الله‌تعالی‌فرجه از فرزندانم قیام کند و او قیام نمی‌کند تا وقتی که شصت دروغ‌گو خروج کنند و هر کدام بگویند، من پیامبرم»^۱.

در روایات، از این دجال‌ها و دروغ‌گویان فراوان نام برده شده است. در بعضی، دوازده و در برخی سی، شصت و هفتاد دجال آمده است.

از میان این دجال‌ها، فردی که در دروغ‌گویی، حیل‌گری و مردم‌فریبی سرآمد همه دجالان و فتنه‌اش از همه بزرگ‌تر است، نشانه ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و یا برپایی قیامت است.

است، خطر فریب‌کاران دجال صفت نیز به مراتب بیش‌تر و گسترده‌تر است. البته درباره این احتمال می‌توان گفت: ممکن است یکی از آن دجال‌ها - که صفات زشت در او بیش‌تر از همه متبلور است - نشانه ظهور باشد.

۲. احتمال دیگر آن است که فردی معین و مشخص، به عنوان دجال، در دوره غیبت - با همان ویژگی‌هایی که برای وی بیان شده است - خروج می‌کند و مردم را به انحراف می‌کشانند.